

مشکلات دنیای اسلام در عصر حاضر

مشکلات دنیای اسلام در عصر حاضر

مسلمان جنوب شرق آسیا و چالش مسیحیت سیاسی نگاهی به حرکت‌های تبشيری در کشورهای

مسلمان نشین منطقه جنوب شرقی آسیا چارچوب تاریخی استعمار صهیونیستی

محمد علی ربانی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

به جرات می‌توان گفت، مسلمانان ساکن در جنوب شرق آسیا که با 250 میلیون جمعیت، حداقل یک پنجم از کل جمعیت مسلمانان جهان را شامل می‌شوند، بیش از دیگر همکیشان خود تحت تهاجم مسیحیت و فشارهای تبلیغی، مادی و روانی فعالیتهای تبشيری قرار داشته‌اند.

جاده‌های محیطی و اقتصادی و موقعیت حساس منطقه جنوب شرقی آسیا، موجب گردید تا جوامع مسلمان ساکن در این منطقه، هرگز از دست اندازی بیگانگان نسبت به حریم مادی و معنوی خود مصون نماند، هزینه‌های سنگینی را در راه دفاع از ارزش‌های اعتقادی و فرهنگی خویش بپردازند. از این میان، بدلیل قدرت مقاومت و ویژگی‌های ضد استعماری موجود در دین مبین اسلام، مسیحیت غربی در طول حضور و سلطه بیش از چهار قرن خود در این منطقه، برای از میان برداشتن کاوننهای مقاومت و تضمین و تحکیم منافع و مصالح استعماری خود ترویج و تبلیغ مسیحیت در میان جوامع ساکن در این منطقه بویژه مسلمانان را جزء سیاست‌های اصولی و اهداف راهبردی سیاسی و فرهنگی خود قرار داده بود.

مقاله پیش‌روی، تحلیلی است از ریشه‌ها و دلیل نفوذ و گسترش مسیحیت در منطقه جنوب شرقی آسیا، شیوه‌ها و ابزارهای گروههای تبشيری و تنازعات مذهبی میان مسلمانان و مسیحیان در بزرگترین کشور مسلمان جهان یعنی اندونزی و کشورهای مسلمان نشین مالزی، سنگاپور و قیلیپین.

الف: فعالیت‌های تبشيری در بزرگترین کشور مسلمان جهان

– ورود اولین گروههای تبشيری به منطقه

ورود مبلغین مسیحی به منطقه جنوب شرق آسیا پس از آن صورت گرفت که در سال 1511 م پرتغالی‌ها پس از درهم شکستن مقاومت حکومت سلطنت نشین مسلمان «ملاکا» در مالزی که نقش عمدۀ‌ای را در گسترش اسلام در این منطقه بر عهده داشت وارد منطقه شده و بر تنگه استراحتیک ملاکا که گلوگاه اصلی و با اهمیت تجاری منطقه محسوب می‌گردید سلطه یا فتند. پس از سقوط امپراطوری مسلمان ملاکا، پرتغالی‌ها به سمت جزایر «ملوک» در اندونزی که در اصطلاح تجار عرب «جزیره الملوك» یا سرزمین پادشاهان نامیده می‌شدروانه گشتند تا تجارت ادویه در این منطقه را نیز به انحصار خود در آورند.

متلاشی کردن شبکه سازمان تجاري منطقه در اثر تسخیر ملاکا و استقرار و ترويج مسيحيت در مناطق تحت نفوذ بویژه در جزایر ملوک، عمدۀ ترین تأثیراتی بود که ورود استعمار پرتغال بدنبال داشت. کوشش پرتغالی‌ها در اشاعه مسيحيت، از طريق ورود هيئت‌های تبشيري غربي به اين مناطق و همجنين تشویق حکام محلی به تغيير مذهب صورت عملی به خود می‌گرفت. اين کوشش‌ها در پی تغيير مذهب پادشاه «ترنا نه» واقع در شرق اندونزي و ورود يك مبلغ مذهبی اسپانیولي بنام «سنت فرانسیس خاویر»، يکی از بنیانگذاران فرقه «ژزوئیت» به اين منطقه شد یافت. اين مبلغ مسيحي توانيست با کملک پرتغالی‌ها طی سالهای 1546 – 1546 در میان مردم «ترنا نه»، «آمبون» و «موروتا یی»، فعالیت تبشيری گسترده‌ای را صورت داده و يك موسسه دایمی تبلیغ مسيحيت را در اين منطقه داير سازد. در نتيجه اين فعالیتها تا دهه 1560 بيش از 10 هزار نفر از مردم اين نواحی بویژه در «آمبون» واقع در شرق اندونزي به مذهب کاتولیک گرویدند که اين رقم تا دهه 1590 به 50 تا 60 هزار نفر رسید. پرتغالی‌ها بمنظور تشدید پذيرش مسيحيت توسط مردم اين نواحی، امتيازاتی همچون بهره‌وری از موقعیت‌های برتر اجتماعی، شغلی، آموزش و حمايتهاي بالقوه کمپانی و آزادی از برداگی را برای افرادی که به مسيحيت روی می‌آوردند قايل می‌شدند. اين مردم که تحت فرمان و تابعیت حاکم غير مسيحي نبوده و عمدتاً نقش عوامل و کارپرداز استعمار را بر عهده داشتند، به تدریج نوعی مسيحيت محلی را ایجاد کردند که دارای نظام آموزش، قوانین، اجتماعات و مراکز مذهبی خاص خود بودند و به يك طبقه نخبگان تحصیلکرده و مرفه در اين مناطق تبدیل گشتند که در دوران بعد نیز نقش رهبری و نظام مدیریتي مردم مسلمان اين نواحی را بر عهده گرفتند. اين سیاست پرتغالی‌ها پس از ورود استعمار هلند به اندونزي در «تیمور شرقی» يعني تنها جزیره‌ای که پرتغالی‌ها تا نیمة قرن 19 در آن حضور داشتند ادامه یافت.

با ورود استعمار هلند در اوائل قرن 16 به اندونزي، هلندی‌ها وارث سیاستها و اهداف استعماری همکیشان پرتغالی خود شدند. هلندی‌ها با همان جسارت و بي رحميولي سازمان یافته‌تر، همراه با کشتی‌های مجهر و پیشرفته و انواع سلاحهای مدرن، برای خارج کردن رقیب پرتغالی خود و کنترل بازار و تجارت ادویه اندونزي، نواحی مختلف این کشور را تحت تصرف خود در آوردند. در آغاز هلندی‌ها جای پای خود را برای همیشه در جاده مستحكم کردند و اين موجب شد که هلندی‌ها به صورت يك نیروی استعماری مستقر در خشک در آیند و دامنه نفوذ خود را در سرتاسر بگسترا نند.

علی رغم این حقیقت که هلندیها از زمان شروع توسعه خود در این منطقه، در مقایسه با همکیشان اسپانیولی و بریتانی خود، حرص و تعصب کمتری در ترویج مسیحیت داشته و بیشتر علاقمند به تجارت بودند، مع ذلك اسلام همواره برای منافع و اهداف هلندیها مانع و تهدیدی جدی تلقی می‌شد. این امکان تهدید نسبت به موقعیت هلندیها از آنجا ناشی می‌شد که مسلمانان حضور هلندیها در داخل خاک خود را حمله‌ای به اسلام تلقی کرده، آنها و گروههای مسیحی را به دلیل ارتباط تنگ آنان با استعمار، «کا برلووند» یا کافران هلندی می‌خوانند و مقاومت در برابر آنها را امری واجب و تکلیف دینی بر می‌شمرند. لذا هلندیها برای مهار کانوهای مقاومت مسلمانان و تثبیت قدرت و سلطه خود در این کشور بر آن شدند تا با اجرای دو هدف و طرح عمدۀ فرهنگی همین «سیاست ایجاد پیوستگی فرهنگی» و «سیاست تغییر مذهب مسلمانان به مسیحیت»، با اسلام که روحیه مبارزه خود را در اندونزی به شکل عصیانها و مقاومتها بی‌علیه نفوذ هلند در مناطق مختلف این کشور نشان داده بود برخورد کنند و با استحاله ارزش‌های فرهنگی و هویت دینی مردم مسلمان اندونزی و ترویج ارزش‌های فرهنگی و مذهبی غرب، نوعی تحانس فرهنگی و مذهبی را جهت تقویت حس وفاداری و همکاری مردم اندونزی با دستگاه استعماری پدید آورند و خود را مقبول آنان سازند. هلندی‌ها بر این باور بودند که با اجرای این دو طرح ضمن حل مساله اسلام، اتحاد اسلامی موجود میان مسلمانان را از کلیه توانایی‌های خود محروم خواهند ساخت و عامل اصلی پیوند دهنده ساکنان اندونزی را از میان خواهند برداشت.

در اجرای طرح پیوستگی فرهنگی، هلندیها بیشترین همّت خود را متوجه تغییر نظام آموزش و پرورش مسلمانان که بر مبنای نظام آموزش دینی استوار بود کردند تا از طریق حذف این سیستم و ایجاد نظام و مراکز آموزشی تحت پوشش خود که عمدتاً توسط هیات‌های تبلیغی مسیحی اداره می‌شد، راه را برای اجرای اهداف شوم استعماری خود هموار سازند. دست اندازی در سنت‌های فرهنگی و دینی از طریق ترویج فرهنگ غربی، تغییر خط و زبان، تغییر سال هجری به میلادی و تعطیلی روز یکشنبه بجای جمعه از دیگر برنامه‌هایی بود که در جهت اجرای این طرح بکار بستند.

سیاست استعماری دیگر هلند مبنی بر تغییر دین مردم اندونزی از طریق گسترش مسیحیت در این کشور، یکی از ملاحظات اساسی سیاسی و فرهنگی هلند در این کشور بشمار می‌رفت که به «سیاست اخلاقی» معروف بود. در راستای عملی کردن هر چه بیشتر این سیاست، دستگاه اجرای کلیسا در جاکارتا تحت نظارت فرماندار کل قرار گرفت و تسهیلات بسیاری برای فعالیت گروههای تبشيری فراهم گردید. حمایت دولت از هیاتهای تبلیغی و فعالیتهای مسیحی طی سالهای ۱۹۱۶ – ۱۹۰۹، پس از انتخاب «ایدنبورگ» به عنوان نماینده مقام سلطنت در اندونزی به اوج خود رسید و پس از آن گروههای تبلیغی مسیحی فعالیتهای خود را با سرعت بیشتر در این مجمعالجزایر گسترش دادند. ساخت و ساز کلیسا و مدارس مسیحیت، پرداخت حق ورود و خروج از اندونزی برای امور تبشيری و پرداخت حقوق به کشیشان علاوه بر کمکهای مالی به مدارس، بیمارستانها و یتیم خانه‌های تحت پوشش مراکز تبشيری، اعطاء سوبسید و حمایتهای دیگر از جوامع مسیحی کا تولیک و پروتستان اندونزی و فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت حضور هرچه بیشتر آنان در مراکز عمله اداری و اقتصادی، از دیگر روش‌های استعمار هلند در جهت گسترش مسیحیت در اندونزی بشمار می‌رفت. این سیاستها در مقابل فشارها و تضییقات که در مقابل فعالیتهای مذهبی، فرهنگی و آموزشی مسلمانان صورت می‌گرفت، شرایط دشواری برای جامعه مسلمان اندونزی پدید آورده بود.

– سیاست تغییر ترکیب جمعیت مسلمانان به نفع مسیحیان

آخر سیاست تغییر ترکیب جمعیتی مسلمانان منطقه، به نفع گروههای قومی و مذهبی غیر مسلمان بویژه مسیحی از مؤثرترین شیوه‌های بود که استعمارگران غربی در طول حضور خود در این منطقه بکار بستند. سیاستی که توسط اسپانیا بیل‌ها و سپس آمریکا بیل‌ها در فیلیپین، هلندی‌ها در اندونزی، انگلیسی‌ها در مالزی، برونئی، برمه و سنگاپور دنبال شد و در نتیجه آن در طول تاریخ گذشته ضمن پدید آمدن جوامع چند فرهنگی و چند نژادی در این مناطق، تصادها و چالشهای سیاسی و فرهنگی بسیاری را نیز موجب گشت.

هلندیها در اندونزی، با تشویق چینی‌ها جهت مهاجرت به این کشور، ابتدا آنان را واسطه و دلال انحصارات ادویه، قهوه، کائوچو و نارگیل این سرزمین قرارداده و به مروز زمان مناسب حساسی را بدانان واگذار کردند. مهاجرین چینی از این طریق توائبند با حمایت هلندیها کنترل بخش اعظمی از مبادلات تجاری اندونزی را در اختیار گیرند و

به تدریج به اولین قدرت اقتصادی این کشور مبدل گردند.

مهاجرین غیر بومی در این کشور همواره به عنوان ابزاری علیه مسلمانان بکار گرفته می‌شدند و با گسترش حضورشان در این کشور شکل خاصی از جامعه چند نژادی با فرهنگ، زبان، مذهب و آداب و رسوم متفاوت را نیز پدید آوردند که موجب تضعیف قدرت مقاومت فرهنگی مسلمانان در برابر استعمار می‌شد. انگلیس نیز در مالزی، برونهی و سنگاپور، بلا فاصله پس از تحکیم موقعیت خود در این کشورها دست بکار تشویق چینی‌ها و هندی‌ها به این سه کشور شدند، این سیاست موجب گردید در جزیره سنگاپور که منطقه‌ای مسلمان نشین و جزیی از خاک سلطنت نشین مسلمان «جومعور» مالزی بشمار می‌آمد، به مرور زمان به کشوری غیر اسلامی تبدیل گردید، به گونه ایکه امروزه مسلمانان تنها ۱۵ درصد از کل جمعیت ۵ / ۳ میلیون نفری آنرا تشکیل می‌دهند و در مالزی نیز بیش از ۴۰ درصد از جمعیت ۱۹ میلیونی این کشور اسلامی را گروههای قومی غیر مسلمان بویژه چینی‌ها تشکیل می‌دهند که بر بخش اعظمی از اقتصاد این کشورها سلطه دارند. همچنین در طول تاریخ گذشته در گیری‌های قومی و مذهبی بسیاری میان مسلمانان و اقوام مهاجر ساکن در این کشور بویژه قوم مهاجر چینی بوقوع پیوست که طی آن صدمات جانی و مالی فراوانی بر جوامع مسلمان این مناطق وارد گردید.

این سیاست استعماری، گذشته از ایجاد و تشدید منازعات قومی و مذهبی خونین در این کشورها، موجب محرومیت جوامع مسلمان این کشورها از حقوق اقتصادی و سیاسی گشته و فشارهای سیاسی و فرهنگی بسیاری را نیز در جهت کاهش تعداد جمعیت مسلمانان از طرق مختلف، از جمله سعی در جذب آنان از طریق تبلیغات وسیع به مسیحیت، بر آنان وارد می‌باشد.

نکته قابل توجه در این میان اینکه، غربی‌ها بمنظور ایجاد پیوستگی فرهنگی و سیاسی هر چه بیشتر با گروههای مهاجر قومی بویژه چینی‌ها، تلاش گسترده‌ای را در تغییر مذهب آنان به مسیحیت صورت داده‌اند، از اینرو امروزه شاهدیم که چینی‌های اندونزی بر خلاف دیگر هموطنان خود در کشورهای همجوار که عمدتاً پیرو آیین بودا می‌باشند، پیرو دین مسیحیت بوده و نقش مؤثری را در ترویج و گسترش این مذهب در اندونزی بر عهده دارند.

- رژیم سوهارت و تداوم سیاست گسترش مسیحیت در اندونزی

با پایان یا فتن سلطه 350 ساله هلندیها و طی سالها پس از استقلال اندونزی (1945)، انتظار مسلمانان این کشور در انجام اصلاحات در ساختار ناعادلانه و استعماری حاکم بر بخش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این کشور که به نفع اقلیتهاي غیر مسلمان بویژه مسیحیان شکل گرفته بود، بر آورده نشد و مسلمانان اندونزی بار دیگر شاهد تداوم این سیاستهای استعماری در شکلی سازمان یافته‌تر بودند.

در دوران حکومت 32 ساله ژنرال سوهارت، سیاست تغییر ترکیب جمعیتی و فرهنگی مناطق مسلمان نشین از طریق اجرای طرح اسکان غیر مسلمانان در مناطقی که مسلمانان در آن سکونت داشتند، ادامه یافت. طی این طرح که با کمک آمریکائیها اجرا گردید، میلیونها نفر جاوه‌ای غیر مسلمان در زمین‌های متعلق به مسلمانان سکنی داده شدند و علاوه‌بر واگذاری هكتارها زمین حاصلخیز متعلق به مسلمانان به آنان، به هر مهاجر جاوه‌ای خانه مجانی و ما بحتاج رایگان به اندازه مصرف دو سال نیز داده شد. در این طرح که با تخصیص صدھا میلیون دلار بود جه اعطایی از سوی کشورهای غربی و با هواپیماهای حمل و نقل نظامی صورت گرفت، حاصلخیزترین زمین‌های متعلق به مسلمانان در مناطقی همانند «آچه»، «سوما ترا»، «برونئو» و «پاپوای غربی» به نفع مهاجرین غیر مسلمان و عمدها مسیحی مصادره شد و تعداد بسیاری از مراکز تجاری و اقتصادی به این گروه از مهاجرین واگذار گردید.

سیاستها و برنامه‌ها یی که رژیم سوهارت در زمینه‌های فرهنگی و مذهبی دنبال می‌کرد، عمدها در راستای اجرای محدودیت برای مسلمانان و زمینه سازی برای گسترش و تقویت اقلیت مسیحی در این کشور صورت می‌گرفت، طی این دوران، گروههای مسیحی پروتستان و کاتولیک در نقاط و مراکز حساس دولتی و نظامی بکار گماشته شدند و بخش اعظمی از اقتصاد اندونزی نیز بدست اقلیت‌های غیر مسلمان بویژه چینی‌های مسیحی قرارداشت.

ایدئولوژی دولت یعنی «پا نجاسیلا»، زمینه را برای فعالیتهاي آزادانه تبشيري هموار می ساخت و در مقابل فعالیتهاي سیاسي و مذهبی مسلمانان بشدت کنترل می گردید. علیرغم اینکه قریب به 89% از جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می دادند ولی دولت به بهانه حفظ وحدت ملي و ایجاد توازن میان پیروان مذاهب مختلف در این کشور، همواره سیاستها و اقدامات حمایتی قابل توجهی را نسبت به مسیحیان دنبال می کرد. بودجه های تخصیص یا فته برای توسعه امکان مذهبی و آموزشی مربوط به دو فرقه پروتستان و کاتولیک که جمعاً 8% از کل جمعیت را شامل می شد، در برخی موارد بیش از بودجه ای بود که برای امور مذهبی مربوط به 89% مسلمان این کشور هزینه می گردید. از مجموع 811 و 663 اماکن مذهبی موجود در این کشور در سال 1991، تعداد 677، 550، آن مربوط به مسلمان، 20105 کلیساي مربوط به فرقه مسیحي پروتستان و تعداد 12896 آن مربوط به کلیساي کاتولیک و بقیه مربوط به معابد هندو و بودایی متعلق به پیروان این دو آیین بوده است. وجود این نسبت از اماکن مربوط به مسیحیان در واقع نشان از حمایت دولت از رشد مسیحیت در کشور داشته و نکته جالب توجه دیگر اینکه بخش اعظمی از اماکن مذهبی مربوط به مسیحیان در مراکز حساس و بسیاری از آنها در جوار مساجد و مراکز مذهبی و فرهنگی مسلمانان فراردارد. همچنان در زمینه چاپ و نشر کتب مذهبی از سوی و زارت امور مذهبی که بر کلیه فعالیتها و امور مذهبی این کشور نثارت داشت، برآورد آمارها گواه دیگری از اهتمام رژیم سوهارتلو در نشر و گسترش مسیحیت در این کشور دارد. بگونه ایکه طی سال اشاره شده از مجموع 592841 جلد کتاب چاپ و منتشر شده از سوی وزارت امور مذهبی اندونزی، بیش از صد هزار آن مربوط به انجیل و بقیه شامل قرآن و دیگر کتب مذهبی مسلمانان و دیگر مذاهب موجود در این کشور بوده است. دو فرقه پروتستان با 6% و کاتولیک با قریب به 3% از کل جمعیت اندونزی، توانسته بودند از سهمیه و خدمات و امتیازات دو دین جداگانه بهره مند گردند و در قانون اساسی 1939 نیز این دو فرقه از تساوی حقوق مذاهب و ادیان رسمی برخوردار شده و این سیاست بصورت یک خط مشی کلی توسط دولت به اجرا گذارده می شد.

نکته دیگری که در رابطه با موقعیت سیاسی و اجتماعی این قشر ثروتمند و صاحب نفوذ در دوران رژیم سوهارتلو می توان بدان اشاره کرد، حضور گسترده مسیحیان در درون هیئت حاکمه، ارتش، وزارت خانه ها، مجلس، دانشگاهها، موسسات و شرکتهاي انتفاعي، بخش خصوصي و مشاغل حساس و کلیدي می باشد. از کابینه 36 نفری سوهارتلو، تعداد 8 تن از وزرا مسیحي بودند و این اقلیت توانسته بودند بصورت حساب شده در مراکز حساس اداري و دولتي اندونزی نفوذ کرده و پست های ارشد آنرا بخود اختصاص دهند. تکنوقرات های مسیحي و دیگر همکیشان آنان با فنون گسترده خود بر دستگاههای تبلیغی و فرهنگی همانند رادیو و تلویزیون و مراکز آموزش، زمینه های مناسبی را برای تبلیغ و ترویج

مسيحيت در ميان مردم مسلمان اندونزي فراهم مي‌دیدند. گروههای تبشيری گستردۀ‌ای هر ساله از کشورهای غربی به اين کشور گسل می‌شدند تا بر حوزه نفوذ مسيحيت در بزرگترین کشور اسلامی جهان بيفزا يند.

سوهارت تو برای تقویت موضع خود در برابر حرکتهای اسلامی، همواره از افسران بلندپایه مسيحي که نقش حساس و مرکزی را در ارتش بر عهده داشتند سود می‌جست و از آنان برای سرکوب قیام‌های متعددی که از سوی مسلمانان طی دوران حکومتش صورت گرفته بود استفاده کرد. علاوه‌بر اين، در بخش‌های اداری و اقتصادي نيز مسيحيان و اقلیت‌های قومی غير مسلمان، همچون گذشته از موقعیت ممتازی برخوردار بودند. سلطه چینی‌ها بویژه چینی‌های مسيحي بر بيش از 75٪ از منابع اقتصادي و تجاري اين کشور شرایط نامطلوب و طالمانه‌ای را برای مسلمانان اين کشور که عمدتاً از فقر رنج می‌برند پديد آورد و گهواره خشم آنان را بمنظور تلاش در اصلاح اين وضعیت ناعادلانه بر می‌انگیخت. هر چند سوهارت تو در سالهای پايانی حکومت خود تلاشها يی را برای ترمیم اين کاستیها و شرایط ناعادلانه صورت داد، ولی عمق شکافهای بوجود آمده ميان مسلمانان و مسيحيان در اين کشور و سيعنتر از آن بود که حرکتهای اصلاحی سوهارت تو در جهت تقویت موضع مسلمانان در نظام اداری، آموزش، تجاري و ارتش بتواند کارساز بوده و ناسازگاريهای چالشهای موجود ميان اسلام و مسيحيت در اين کشور را حل و فصل کند.

- غرب و تلاش در جهت حفظ و تحکیم موقعیت مسيحيان اندونزي در عصر پس از سوهارت تو

با سقوط حکومت 32 ساله سوهارت تو و تلاش برخی از رهبران مسلمان اين کشور جهت بر عهده گرفتن نقش سازنده در صحنۀ‌ی سیاسي اين کشور، نگرانی‌های زیادي از سوی محافل غربي بویژه آمریکا يی نسبت به خطر افتادن موقعیت مسيحيان در اين کشور، ابراز گردیده و از قدرت یافتني اسلام سیاسي در اندونزي به عنوان عاملي خطرناك در جهت تشدیدنا آرامی‌های قومی و مذهبی در اين کشور ياد کردند.

در سال گذشته، تعدادی از مقامات بلندپایه آمریکا با سفر به اندونزي و دیدار با دولتمردان اين کشور، هشدار

دادند که قیام و ظهور دکتر امین رئیس رهبر «انجمن محمدیه»، یعنی دومین سازمان بزرگ اسلامی اندونزی و مهمترین سازمان اصلاح طلب این کشور که در 1912 با عزم اصلاح امور اسلامی و مقاومت علیه تبلیغات هیئت‌های مسیحی غربی شکل گرفت، در صحنه‌ای قدرت می‌تواند برخورد و تصادم میان مسلمانان و مسیحیان را تشید کرده و بر دامنه آشوبهای سیاسی و اجتماعی در این کشور بیفزاید. بی تردید این نگرانی آمریکائیها بیش از آنکه از بروز چنین وضعیتی در اندونزی ناشی شود، حاکی از ترس است که آنان نسبت به تهدید منافع خود در اندونزی از طریق حذف عناصر و جریانهای قومی و مذهبی تامین کننده این منافع در این کشور، احساس می‌کنند. علاوه بر این، آقای امین رئیس و برخی دیگر از رهبران «انجمن محمدیه» یعنی دومین سازمان بزرگ اسلامی اندونزی، طی سال گذشته بنابه دعوت شورای ملی کلیساهای مسیحی واشنگتن و برخی مقامات ارشد آمریکا به این کشور دعوت شدند تا ضمن ارائه نقطه نظرات سیاسی و مذهبی خود، دیدگاهشان را پیرامون آتش زدن کلیساها که در طول ماههای گذشته در سرتاسر اندونزی رخ داد ارائه دهند. دکتر امین رئیس، که نقش عمدۀ‌ای را در به سقوط کشاندن رژیم سوہارتلو ایفا کرد، طی سخنان خود در جمع هوادارانش، همواره بر این نکته تاکید داشت که سلطه اقتصادی چنین های مسیحی اندونزی بر این کشور، عامل اصلی افزایش نرخ فقر در میان مسلمانان بوده و اختلافات طبقاتی نیز عمدتاً بخاطر سلطه این اقلیت بر سیستم توزیع و منابع اصلی مالی این کشور ناشی می‌گردد.

انجام اصلاحات در حکومت و مؤسسات وابسته به آن و متناسب کردن سهم آنان در نظام اداری، اقتصادی و مراکز آموزش وابسته به دولت یکی از خواسته‌های اساسی مسلمانان و گروههای اصلاح طلب اندونزی بود که در روزهای تشید نا آرامی‌های سیاسی و دانشجویی در اندونزی، خواستار تحقق آن بودند.

اساساً مسلمانان اندونزی چه در گذشته و حال، نگرانی خود را نسبت به اموری که به مسایل روزمره آنان بستگی دارد ابراز می‌داشتند، اموری از قبیل مشکل گرایش مسلمانان به مسیحیت، که از سوی مسیحیان در خصوص جذب جوانان مسلمان با ارایه بورس تحصیلی در مراکز و مؤسسات آموزش مسیحیت صورت می‌گیرد. همچنین در دیگر مراکز نیز ایجاد یک توازن واقعی میان منافع نژاد بومی اندونزی با غیر بومی‌ها بویژه چینی‌ها در بخش اقتصادی این کشور که نژاد و مذهب از شاخص‌های اساسی تعیین کننده در آن می‌باشد و نژاد چینی عمدۀ‌ترین سهم را امروزه از آن برخوردار است، مورد درخواست مسلمانان اندونزی بوده است. مسلمانان اندونزی از دولت جدید نیز این تقاضا را داشته‌اند که نسبت به اصلاح ساختاری وضع موجود اقدام لازم را معمول داشته و از حقوق ضایع شده مسلمانان در نظام اداری، اقتصادی و دیگر بخش‌ها به دفاع برخیزد.

بروز درگیری‌های خونین قومی و مذهبی میان مسلمانان و مسیحیان در اندونزی، یکی از پیامدهای شوم و رایج گسترش مسیحیت سیاسی در این کشور بشمار می‌آید. طی ما های گذشته، کشور اندونزی، یعنی بزرگترین کشور مسلمان جهان که قریب به ۹۰٪ از جمعیت ۲۰۲ میلیونی آنرا مسلمانان تشکیل می‌دهند، شاهد موج جدیدی از درگیری‌های خونین میان مسلمانان و مسیحیان در این کشور بوده است. بنابر اظهارات بعمل آمده از سوی مقامات رسمی این کشور، درگیریهای مذهبی اخیر اندونزی موجب کشته شدن بیش از ۳۵۰ تن و خسارتهای مالی و جانی گسترده‌ای در مناطق مختلف این کشور گردید. این درگیریها در جزیره «آمبون» واقع در ایالت «مالوکو» پس از آن آغاز گشت که مسیحیان درخواست مسلمانان مبني بر تعطیل کردن یک قمارخانه که در نزدیکی مسجد «سلیمان» قرار داشت را نادیده گرفته بودند. دامنه این درگیریهای خونین مذهبی به دیگر شهر از جمله «توال» واقع در شرق جاکارتانیز کشیده شد و موجب بروز آشوبهای اجتماعی و سیاسی دامنه داری گردید.

در طول سال گذشته و در پی تشدید بحران سیاسی و اقتصادی در این کشور که منجر به سقوط حکومت ۳۲ ساله ژنرال سوهارتو از صحنه‌ای قدرت گردید نیز شورش‌ها و درگیری‌های مشابهی در مناطق شرق، مرکز و غرب جاوه و برخی دیگر از مناطق مسیحی نشین این کشور بوقوع پیوست. در سال گذشته، هزاران مسلمان در منطقه جاوه اعتراض شدیدی را بر علیه فعالیت فاحشه خانه‌ها و مشروب فروشی‌های متعلق به چینی‌های مسیحی در طول ماه رمضان برآه انداختند.

در شهر باندونگ در جاوه غربی نیز پس از تعطیل کردن دکه‌ها یشان توسط پلیس ضد شورش، عده‌ای با پرتاپ سنگ بسوی شیشه سوبر مارکت‌ها یی که بوسیله قوم چینی اداره می‌شد، به اعتراض برخاستند. اعتراض کنندگان مسلمان با هجوم به اهداف مسیحی و چینی و تخریب مراکز تجاری و مذهبی آنان خشم خود را طاهر می‌ساختند. در ژوئن ۱۹۹۶ نیز مسلمانان در خیابانهای «سورا با یا» یعنی دومین شهر بزرگ اندونزی ۱۲ کلیسا را ویران کردند. در اکتبر همان سال

پس از آنکه یک مسیحی مطالب توهین آمیزی را نسبت به اسلام بیان داشت، بیش از سه هزار مسلمان در شهر «سی تا نوندو» واقع در غرب جاوه تنها در یک روز 25 کلیسا را به آتش کشیدند که طی آن 7 نفر از جمله یک کشیش جان باختند. براساس آمارهای منتشره، طی ده سال گذشته بیش از 300 کلیسا که غالب آن در جاوه بوده است در آتش سوخت.

هر چند این سلسله از وقایع از ساقمه‌ای دیرینه در اندونزی برخوردار بوده و در طول تاریخ قبل و بعد از استقلال اندونزی، نمونه‌های متعددی از درگیری و تنازع میان مسلمانان و مسیحیان در این کشور را می‌توان یافت، ولی بنظر می‌رسد که طی سالهای اخیر گرایشات ضد مسیحی و ضد چینی مسلمانان اندونزی رویه افزایش بوده است و بسیاری از مردم اندونزی بردازی خود را نسبت به ادامه سلطه اقلیت‌های مذهبی و قومی بویژه چینی‌های مسیحی این کشور بر بخش اعظم از اقتصاد و برخی مراکز حساس دیگر اندونزی از دست داده‌اند.

هر چند برخی از تحلیل گران، رشد گرایشات اسلامی و تشدید بحران اقتصادی در اندونزی را دو عامل اساسی در افزایش تنازعات میان گروههای مسلمان و مسیحی در این کشور بر شمرده و از آن به عنوان یک تهدید مخاطره آمیز در برابر موازنۀ نزادی در این کشور و ایجاد آشفتگی قابل انتظار برای اقلیت مسیحی و چینی ساکن اندونزی که موقعیت برتر آنان همواره مورد شک اکثریت مسلمانان اندونزی بوده است، یاد می‌کنند. ولی به نظر می‌رسد با بررسی و تحلیل منطقی‌تر این وقایع و مطالعه نقش مسیحیت سیاسی در اندونزی بعنوان مولود استعمار، می‌توان به دلایل دیگری در این نوع از واکنش خشم آلود مسلمانان بردار و آرام اندونزی در برابر اقلیت مسیحی ساکن در این کشور دست یافت، که در این نوشتار به برخی از آن اشارت رفت.

ب: فعالیتهاي تبشيري مسيحيت غربي در مالزي و سنگاپور

براساس آمارهای رسمی، امروزه قریب به هفت درصد از جمعیت 20 میلیونی کشور مالزی را مسیحیان تشکیل می‌دهند

که بر اثر تماس با اروپا ایان به این دین گرویده‌اند. در مالزی نیز مسیحیت با شروع سلطه استعمارگران پرتغال بر این سرزمین، وارد این کشور شد. سپس در قرن هفدهم در دوران تسلط هلندی‌ها این نفوذ ادامه یافت و بالاخره در قرن نوزدهم، باشروع حاکمیت انگلیس، فعالیت مبلغان مذهبی مسیحی شدت گرفت.

مبلغان مسیحی در مالزی با روی آوردن به فعالیتها بی همچون تاسیس مرکز پژوهشی و مدارس مذهبی و غیر مذهبی انگلیسی زبان و اعطای امتیازات ویژه همچون بورس تحصیلی و در اختیار قراردادن فرصت‌های شغلی و تجارتی، سعی در جذب مسلمانان بر دین مسیحیت داشتند ولی علیرغم این کوشش‌ها گرایش قابل توجهی نسبت به مسیحیت در میان مردم این کشور بوجود نیامد و تنها تعدادی از افراد بومی و چینی‌های بودایی به این آیین روی آوردند. از دیگر سوی، علیرغم این عدم موفقیت انگلیسی‌ها در گسترش مسیحیت در مالزی، آنها توانستند طی دوران حاکمیت خود (1957 – 1786)، در بسیاری از سنت‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی مسلمانان این کشور دست اندازی کرده و ارزش‌های فرهنگی غیر اسلامی و مسیحی را در این کشور اسلامی کردند. تغییر تاریخ، زبان، نظام آموزشی، گنجاندن دروس و نظام آموزش غیر اسلامی در مراکز شرقی آسیا بود حاکم کند. تغییرات مذهبی مسلمانان، جذب و تشویق غیر مسلمانان جهت مهاجرت به این کشور و سپردن آموزش این کشور، تغییرات اقتصادی به آنان، جذب نخبگان مسلمان این کشور جهت تحصیل و پرورش در مراکز آموزش و دانشگاهی غرب و حاکم کردن روشنفکران و تکنو کرات‌های تحصیل کرده غرب و ایجاد درگیری‌های مذهبی و قومی را از جمله سیاستها و شیوه‌هایی می‌توان نام برد که استعمار مسیحی غرب در مالزی بدنبال اجرای آن برآمد.

امروزه اقلیت مسیحی ساکن مالزی نیز همچون دیگر همکیشان خود در این منطقه، از قشر برخوردار و ثروتمند محسوب می‌گردند. در این کشور کلیسا‌های متعددی نیز وجود دارد که محل انجام مراسم مذهبی مسیحیان است. روز کریسمس در مالزی تعطیل رسمی است و در زمان برگزاری مراسم عید پاک نیز ایالت ساراواک که اکثریت ساکنان آن را مسیحیان تشکیل می‌دهند، تعطیل رسمی می‌باشد. مالزی دارای سه اسقف نشین «آنگلیک» است که همه تابع اسقف اعظم واقع در «کوالالمبور» و همچنین در «کوچینگ» می‌باشد.

زبان انگلیسی که از زمان سلطه انگلیسی‌ها مالزی رواج یافته است به عنوان زبان دوم در مدارس تدریس می‌شود.

در گذشته زبان مالایو با خط والفبای عربی که به حروف جاوه‌ای شهرت داشت تحریر می‌شد، ولی در زمان استعمار مسیحی به الفبای لاتین تغییر یافت و بدین ترتیب لغات بسیاری از زبان لاتین وارد زبان مالایو شد. درگیری‌های قومی و مذهبی یکی دیگر از مواریتی است که از استعمار مسیحی غرب در این کشور بر جای مانده است. در گذشته برخی درگیریهای مذهبی میان مسلمانان و مسیحیان مالزی در برخی نواحی از جمله در دو ایالت «صبح» «ساراواک» بوقوع پیوست.

مبلغین مسیحی اروپایی نیز هر ساله با سفر به این کشور به فعالیتهای تبشيری می‌پردازند و این امر همواره یکی از نگرانی‌های جامعه مسلمان مالزی که ۵۷٪ از کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، بشمار می‌آید.

کشور کوچک سنگاپور که امروزه در ردیف کشورهای غیر اسلامی قرار دارد، در گذشته‌ای نه چندان دور بخشی از خاک ایالت سلطنت جوهور نشین مسلمان «جوهور» واقع در مالزی بشمار می‌رفت در ۱۸۸۹ بنابر توافق بعمل آمد میان کمپانی هند شرقی و سلطان جوهور جزیره سنگاپور به این کمپانی واگذارشد. «سرافائل» نماینده کمپانی که از او به عنوان پدر سنگاپور نوین یاد می‌شود با پی بردن به اهمیت استداتریک این جزیره آن را به یک بندر تجاری تبدیل کرد. در پی واگذاری دائم سنگاپور به کمیساریای عالی کمپانی هند شرقی، انگلیسی‌ها در دراستی تحکیم موقعیت خود طرح‌های مختلفی را در راستای برهم زدن ترکیب جمعیتی و فرهنگی این جزیره بکار بستند. انگلیسی‌ها با بکارگیری و استخدام نیروهای غیر بومی و غیر مسلمان مهاجرت انتقالی خارجیان و تشویق آنان به مهاجرت به این جزیره تلاش گسترده‌ای را در ایجاد تغییرات اساسی در ترکیب جمعیتی سنگاپور بکار بستند. اجتماع گسترشده مهاجرین غیر بومی و غیر مسلمان در این جزیره موجب گشت که اسلام و مسلمانان موقعیت و جایگاه گذشته خود را به تدریج از دست داده و به دین اقلیت جامعه سنگاپور مبدل گردد. با خارج شدن سنگاپور از فدراسیون مالزی در ۱۹۶۵، هم اکنون قوم مهاجر چینی ۷۶ درصد از جمعیت سه میلیون و ۶۰۰ هزار نفری آنرا تشکیل داده و مسلمانان تنها ۱۵ درصد جمعیت این کشور را شامل می‌شوند و از موقعیت اجتماعی و سیاسی پائینی نیز نسبت به دیگر اقوام ساکن در این کشور – شهر برخوردار می‌باشد. سیاست‌های فرهنگی و استعماری دولت انگلیس موجب گشت که امروزه مشکل خاصی از جامعه چند نژادی با فرهنگ زبان، مذهب و آداب و رسوم متفاوت پدید آید و مسلمانان این جزیره با جالشای گوناگونی از جمله فعالیتهای تبشيری مسیحیت مواجه گردند.

شاید فیلیپین را بتوان نمونه بارزی از بثمر رسیدن کوشش‌های استعماری دول غربی در خارج کردن اسلام از صحنه‌های قدرت در این منطقه بر شمرد، چرا که امروزه کمتر کسی بر این حقیقت باور دارد که اسلام روزگاری طولانی بر مجمعالجزایر فیلیپین که امروزه به عنوان کشوری غیر اسلامی و مسیحی در جامعه بین‌المللی مطرح می‌باشد، حکومت می‌رانده و مسلمانان، بخصوص سادات، در عمدۀ ترین بخش از کیان فرهنگی و سیاسی این نقطه دور از خاستگاه اسلام نقش حیاتی داشتند.

اسلام در اوآخر قرن هشتم هجری در مجمعالجزایر فیلیپین شایع شد و در قرن دهم، مسلمانان توانستند در برخی از ولایات و شهرها حکومت اسلامی برپا کنند که از این میان می‌توان از شخصی بنام «شريف ابو بكر» نام برد که در جزیره «صولو» در سال 854 هـ اولین حکومت اسلامی را در این جزیره تشکیل دهد و پس از آن به تدریج سرزمینهای دیگر این مجمعالجزایر تحت فرمانروایی حکام اسلامی فرار گرفت. خلاصه اینکه در سده شانزدهم میلادی، بخش اعظم از جزایر که فیلیپین امروزی را تشکیل می‌دهند در مرحله‌ای پیشرفته از اسلام گرایی قرار داشته و سه دولت اسلامی نفوذ خود را بر این جزایر گسترش دادند، یعنی سه کشور مسلمان «صولو»، «ماکوئیندا نائو» و «مانیلا» که هر یک بخش‌های متعددی از خاک مجمعالجزایر فیلیپین را شامل می‌شدند. برخی از مورخین([1]) نام چهارده تن از سلطانین مسلمان را که از 1645 تا 1888 میلادی بمدت بیش از دو قرن در «ماکوئیندا نائو» حکومت می‌کردند و همچنین 33 تن از سلطانین «صولو» که طی سالهای 1450 تا 1915 م یعنی تا 80 سال قبل بر جزایر «صولو» حکم می‌راندند را ذکر می‌کنند. قدیمی‌ترین و آخرین سلطنت اسلامی در منطقه مجمعالجزایر «صولو» تا 1915 همزمان با شکست موروها از آمریکائی‌ها دارای قدرت بودند و با مرگ سلطان «جمال‌الکریم دوم» در 1936 آخرین نسل از سلسله پادشاهان اسلامی در این منطقه منقرض و حکومت مسیحی به پشتونه و حمايتها مستقیم دولت آمریکا سلطه خود را بر سرتاسر فیلیپین گستراند.

تمامی میراث دولت اسلامی فا تحین استعمارگر مجمع برای کشورگشایی و فتح دزهای مسلمین به سوی جزایر مسلمان نشین فیلیپین درگیر کشورهای اسلامی منطقه سرازیر گشتند. به هنگام رسیدن اسپانیائیها به فیلیپین، مسلمانان به رهبری «سلطان سلیمان» پادشاه فیلیپین و تکیه زننده بر کرسی حکومت اسلامی در ما نیل جنگ طولانی و مستمری را با سپاه اسپانیا ترتیب دادند که در نتیجه منجر به معاہده صلح 1565 گردید. در قرن شانزدهم میلادی که اسپانیا در اواسط دروان تفتیش عقايد بر ضد مسلمانان ساکن در شبه جزیره «ایبری» به سر می‌برد، سپاه اسپانیا بی به سلطنت نشین «صolu»، «ما گوئیندا نائو» و «ما نیلا» حمله بردن. فیلیپ پادشاه اسپانیا که بعدها این جزایر به نام او فیلیپین خوانده شد این حکم را به فرمانده نیروی دریا بی خود صادر کرد که: «جزایر را فتح کن و این مردم را به مسیحیت برگردان». مسلمانان در جنوب و در جزایر «پالاوان» و «صolu» و «میندانائو»، مقاومت بسیاری کردند، و این درگیری‌ها و مقاومت بمدت چند قرن یعنی تا 1896 م ادامه یافت و اسپانیائیها هرگز موفق نشدند تا سلطه خود را بصورت کامل بر این مناطق بگسترانند. در 1898 آمریکا بی‌ها در اولین تجربه استعماری خود و با استفاده از صعف قوای اسپانیا بی‌ها در برابر مسلمانان و با حمایت جنبش آزاد بخواه شمال، به ناوگان اسپانیا بی مستقر در بندهای مانیل حمله ور شد و از این تاریخ بود که استعمار آمریکا جایگزین استعمار اسپانیا در این کشور گشت. آمریکا بی‌ها نیز برای مهار مسلمانان و تحکیم پایه‌های سلطه خود در این کشور به فعالیتهای تبشيری روی آوردند. اعزام مبلغان مسیحی تحت عنوان پیام آوران صلح برای انجام فعالیتهای تبشيری و واگذاری امتیازات ویژه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به مسیحیان و تحت فشار قرار دادن مسلمانان بر تغییر مذهب، از دیگر شیوه‌ها بی بود که آمریکا بی‌ها همچون دیگر اذناب غربی خود بدان روی آوردند.

بدین ترتیب می‌توان گفت، روندی که توسط اسپانیائیها در اعمال زور و دیگر روش‌های قهر آمیز و بمنظور مجبور کردن مسلمانان این کشور به تغییر مذهب دنبال می‌شد با شیوه‌های گستردۀ تری توسط آمریکائیها دنبال شد. پس از آنکه آمریکا در 1915، تمامی سازمانی‌ها «بانگ مورو» یعنی سازمانی‌های متعلق به مسلمانان را تحت سلطه خود در آورده، درب‌های این کشور را برای مهاجران مسیحی گشود. ابتدا جریان این مهاجرت و سیاست تغییر ترکیب جمعیتی مسلمانان به کندي صورت می‌گرفت اما پس از سال 1939 رشد آن نسبت خطرناکی به خود گرفت و دولت مرکزی فیلیپین که از سوی آمریکا حمایت می‌شد بر دامنه‌ی آن افزود. گروههای مسیحی پس از ورود و استقرار در مناطق مسلمان نشین، با حمایت نیروهای دولتی دست به غارت و کشتار مسلمانان می‌زدند و پس از تصرف خانه و زمینهای مربوط به مسلمانان آنرا میان مسیحیان تقسیم می‌کردند.

کلیساي کا تولیک قدرت محركه پشت پرده اسلام زدا يي بيه رحمنه و مسيحي کردن مناطق مسلمان نشين در نواحي شمال و جنوب اين کشور بود و همان شيوه‌ها يي را در پيش مي‌گرفت که دیگر استعمارگران و همکيشان عربي آنان در دیگر مناطق مسلمان نشين اين منطقه بكار مي‌بستند. شيوه‌ها يي چون تغيير نظام آموزشي، تغيير زبان و دیگر نهادهای فرهنگي و سنت‌های اسلامي را يح ميان مسلمانان و سپردن اهرمهای قدرت بدست مسيحيان مي‌توان نام برد.

مبلغين مسيحي آمريكا يي در جهت مسخ مطا هر فرهنگي و مذهبی «موروها» يعني مسلمانان فيليپين، تلاش گسترده‌اي را در ترويج آموزشهای ضد اسلامی و مطا هر فاسد اخلاقي از طريق ترويج زبان انگلیسي بمنظور حذف زبان عربي و محلی واستفاده از ارعاب و تطمیع افراد جهت دوری از عقاید دینی و فرهنگ اسلامی بكار بستند. متعاقب اين اقدامات آمريکائیها در جهت از بين بردن هویت دینی «موروها»، در تمامی شهرها مسلمان نشين به استثنای «هولو» و «مراوي»، تعداد کلیساها به مراتب بيش از تعداد مساجد گشت تا جائیکه در برخی از شهرها همانند «الیکان»، «پاگاریان» و «دانو» که نیمي از جمعیت آن مسلمان مي‌باشند تنها يك يا دو مسجد در آن وجود دارد. همچنان با کوج حساب نشده مسيحيان از ديگر نقاط اين کشور به مناطق مسلمان نشين بویژه در جنوب اين کشور و وادار کردن مسلمانان به کوج اجباری از مناطق پدري خود، مسلمانان اين مناطق را با مشکلات بسياري مواجه کرد، مشکلاتي که بعضاً برخی مسلمانان اين کشور را ناچار به تغيير مذهب کرد تا از اين طريق بتوانند از حداقل معیشت و امتيازان اجتماعي برخوردار گردند. تا قبل از نفوذ آمريکائیها به «ميندانائو» تنها در قسمتهاي از سواحل شمالی اين جزيره مناطق مسيحي نشين وجود داشت ولی امروزه بعلت مهاجرت و اسکان مهاجرين مسيحي که از نواحي شمالی و مرکز فيليپين به اين جزيره آمدند، اين جزيره به منطقه‌اي با اکثریت مسيحي تبدیل گشت.

مبلغين مسيحي خواه کا تولیک و خواه پروتستان همواره بر اين تلاش بوده‌اند تا مسلمانان بویژه جوانان را به سمت خود جذب کنند. از نظر تاریخي، در میان کا تولیک‌ها اين وظيفه بيشتر بر دوش يك گروه مذهبی متعصب و افراطي بنام «يسوعی» بود و به مرور زمان ديگر گروههای تبشيری نیز وارد میدان شدند. اين گروهها در مناطق مسلمان نشين به تاسیس مراكز آموزش پرداختند تا در اين مراكز که تنها مراكز آموزشي معتبر شناخته مي‌شد به تعلم و آموزش عقاید مسيحي بپردازنند. برخی از گروههای تبشيری با اهداء کمک‌های مالي به مردم فقیر و محتاج به آنها تلقین مي‌کردند که تنها راه نجات از فقر و فلاكت و دستيابي به يك زندگي مرفة، تغيير دين به مسيحيت است. اعطاء بورس‌های تحصيلي به جوانان مسلمان جهت ادامه تحصيل در مراكز آموزش غرب و اعزام استاد و معلم مسيحي و

غربی به مراکز آموزش مناطق مسلمان نشین از دیگر شیوه‌هایی بود که گروههای تبشيری در راه گسترش و ترویج عقاید مذهبی خود در میان مسلمانان فیلیپین، بدان متمسک می‌شدند.

در کنار همه این تهاجمات و فشارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به مسلمان، شاهد مقاومت اسلام و مسلمانان فیلیپین در طول تاریخ گذشته بودیم، مسلمانان فیلیپین برای حفظ کیان فرهنگی و مذهبی خود تاریخ درخشانی از مقاومت و پایداری در برابر مهاجمان مسیحی از خود بر یادگار گذاشتند.

آنچه بر شمردیم تنها گوشه‌ای از تلاشهای گسترده دستگاه سیاسی و مذهبی مسیحیت غربی جهت از صحنه بیرون کردن اسلام از این منطقه از جهان صورت گرفته است.

منابع:

- Indonesia - Nella Guites - 1995

- outh - East Asia, Time - life International - 1968

- روزنامه - چاپ استرالیا - ژانویه 98 THE MORNING HERALD SYDNEY

- چاپ دا نشگاه فیلیپین - Philippines the in Islam 1995

- مجله - چاپ هنگ کنگ - فوریه ASLAWEEK 98

- روزنامه - چاپ با نکوک - ماههای مارچ و آوریل Nation

- موسوعه دور العالم الاسلامی و رجالها، شاکر مصطفی، جلد 3، چاپ بیروت.

- الشیعه فی اندونیسیا، محمد اسد شهاب، چاپ بیروت.

- نهضتهاي نوبن اسلامي در اندونزوي، ولیارنوئر، ترجمه ایرج رزا قي، انتشارات آستان قدس.

- تاریخ جدید اندونزی، م. ک، ریکلفیس، ترجمه عبدالعظیم هاشمی نیک، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.

- مسلمانان مورو، تاریخ اجتماعی مسلمانان جنوب فیلیپین، محمد کاظم توکلی، انتشارات امیر کبیر.

((1)). برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به کتاب «موسوعة دور العالم الاسلامی و رجالها»، شاکر مصطفی، جلد 3، چاپ

بیروت.